

مبانی «اصل بی قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری» در فقه و حقوق ایران

اکرم صفیری^۱

فرزانه کریمی^۲

چکیده: رسالت اسناد تجاری در معاملات و روابط اقتصادی آن است که جایگزینی مناسب برای پول نقد در پرداخت‌ها بوده و همگام با گردش سهل، سریع و ایمن، حقوق دارنده خود را نیز تضمین نماید. تحقق این مهم، در صورتی امکان پذیر خواهد بود که تعهدات امضاکنندگان این اسناد به طور مطلق و منجز واقع گردد و منوط به امری دیگر نباشد. ضرورت‌هایی که «بی قید و شرط بودن تعهدات موضوع اسناد تجاری» را ایجاب می‌نماید به‌عنوان مبانی اصل مزبور لحاظ می‌گردد که در این مقاله، در دو بخش «ضرورت‌های حقوقی» (ضرورت جایگزینی اسناد تجاری به جای پول نقد، ضرورت تأمین سرعت، سهولت و امنیت در گردش اسناد تجاری و ضرورت حمایت از حقوق دارنده اسناد تجاری) و «ضرورت‌های فقهی» (مصلحت حفظ مال و منع اختلال در نظام اقتصادی) بررسی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: اسناد تجاری، وصف تنجیزی، تعهدات اسناد تجاری، بی قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری، اصل (قاعده حقوقی).

مقدمه

پیدایش اسناد تجاری حاصل عرف و رویه بازرگانی برخاسته از نیازهای تجاری است. پس از آنکه تجار عملاً رغبتی به استفاده از اسناد مدنی در روابط و قراردادهای خود نداشتند، به تدریج میان آنها اسنادی به‌عنوان اسناد تجاری شکل گرفت (اخلاقی، ۱۳۵۸، ش ۲۱: ۲۷-۲۴؛ مسعودی، ۱۳۷۹، ش ۱۷۱: ۱۰۴-۱۰۱؛ عبدی پور فرد و فتوحی راد، ۱۳۹۵، ش ۹: ۱۱۹؛ دفتر حقوقی اندیشه، ۱۳۷۲، ش ۹۹ و ۱۰۰: ۸۰) و بدین ترتیب، پرداخت به وسیله اسناد تجاری و تحصیل برائت ذمه با انتقال یا ظهرنویسی این اسناد به امری عادی و منطبق با زندگی تجاری بدل گشت (شیوا رضوی، بی تا: ۱۳ و

E-mail: university_motahari@yahoo.com

۱. استادیار دانشگاه شهید مطهری.

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی دانشگاه شهید مطهری (نویسنده مسئول).

E-mail: f_karimi_69@yahoo.com

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۱۶ تأیید مقاله: ۱۳۹۹/۱/۲۴

۲۲). عرف معاملات تجاری اقتضای آن را داشت که با برقراری شرایط و امتیازاتی ویژه در خصوص اسناد تجاری، گردش سریع و مطمئن و حقوق دارندگان این اسناد تضمین گردد و به تبع آن استفاده از اسناد مزبور میان تجار و غیر تجار هر چه بیش تر رواج یابد (شیوا رضوی، بی تا: ۶۵ - ۶۴). به مرور زمان، مجموع اوصاف و اصولی که در رویه میان تجار بر اسناد تجاری حاکم گشت، مورد حمایت و تأکید قانون‌گذاران نیز قرار گرفت (کرم نژاد، ۱۳۹۱، ش ۷: ۹۶). از جمله جریان «اصل بی قید و شرط بودن» در خصوص تعهدات موضوع اسناد تجاری که در کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۳۰م. در مورد برات و سفته و در کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۳۱م. در مورد چک و هم‌چنین در کنوانسیون آنستیرال مصوب ۱۹۸۸م. در مورد سفته و برات بین‌المللی در مواد متعدد مورد تصریح قرار گرفت.

بر اساس «اصل بی قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری» متعهدان این اسناد نمی‌توانند تعهدات خود را منوط به شروطی احتمالی سازند و تعهدات مزبور لازم است عاری از هرگونه تعلیق، تقیید و اشتراط باشد. این اصل که برخلاف قواعد عمومی حاکم بر تعهدات مدنی و مبتنی بر اقتضانات اقتصادی و مناسبات تجاری است، در قوانین و رویه قضایی ایران - مگر در چند مورد جزئی - نفوذ چندانی نیافته است که به نظر می‌رسد ناشی از عدم تبیین فقهی و حقوقی مفاد و قلمرو آن در تحقیقات اندیشمندان (دکترین) می‌باشد.

مبناشناسی حقوق اگرچه غالباً از موضوعات قابل بحث در فلسفه حقوق است، اما پرداختن به آن و بررسی مبانی سازنده یک قاعده حقوقی دارای آثار عملی و کاربردی نیز می‌باشد. از سویی، هر اصل یا قاعده‌ای که به جهت پاسخگویی به نیازهای جامعه شکل گرفته است، تا زمانی که توسط قانون‌گذار وضع و تأیید نگردد در شمار قواعد حقوقی نمی‌آید و دادرسان نیز مکلف به اجرای آن نخواهند بود (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ج ۳: ۱۳۴). از سوی دیگر، وضع قوانین و صدور احکام قضایی بدون در نظر گرفتن و ارزیابی مصالح و مفاصل اجتماعی، ضرورت‌های اقتصادی و باورهای مذهبی توسط مجالس قانون‌گذاری و دادرسان نه تنها نظم و عدالت را در جامعه محقق نخواهد کرد، چه بسا عاملی برای افزایش ناهنجاری، اختلال و بی‌عدالتی گردد (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ج ۳: ۱۳۳؛ ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۴ و ۳۲۲؛ ۱۳۸۶: ۳۳). از این رو، شناختن ریشه‌های عرفی یا مبانی «اصل بی قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری» گام نخست و ضروری برای ورود این اصل در قوانین و نظام حقوقی حاکم بر اسناد تجاری در ایران است.

با عنایت به این امر، مبناشناسی «اصل بی قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری» به معنی شناسایی خاستگاه و عوامل ایجاد و ایجاب کننده آن اصل و بررسی حقوقی و فقهی آن مبانی، نخستین گام برای قانون گذاری در مورد اصل مذکور می باشد (امری که به ویژه در حقوق تجارت ایران مهجور مانده و تاکنون در هیچ یک از مقالات و رسالات دانشگاهی و منابع حقوقی به تفصیل بدان پرداخته نشده است). بر همین اساس در مقاله حاضر پس از بررسی مختصری در مورد مفهوم «مبانی» و مفهوم «اصل بی قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری»، مبانی یا ضرورت های تجاری شکل دهنده این اصل مورد مطالعه و تحلیل حقوقی قرار می گیرد و سپس به ارائه دیدگاه فقه در مورد ضرورت های مزبور پرداخته می شود.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. مفهوم «مبانی»

کلمه «مبانی» جمع «مبنا» به معنی پایه و اساس می باشد (انوری، ۱۳۸۲، ج ۷: ۶۶۰۳) و اصطلاح «مبانی» در حقوق، بیانگر پایه و دلیلی است که جریان یک قاعده را در جامعه توجیه نموده و آن را الزام آور می سازد (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱ و ۳۷؛ ۱۳۸۶: ۱۹). به بیان دیگر، تمامی عواملی که تمدن و اخلاق جامعه را به وجود آورده اند، همان نیروها و عواملی هستند که به واقع ایجاد کننده هر قاعده حقوقی می باشند که مهم ترین آنها عبارتند از: عوامل اقتصادی، اخلاق، مذهب و آرمان های سیاسی و اجتماعی (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۳). همین نیازها و ضرورت هایی که موجب مرسوم شدن قاعده ای میان مردم گشته و در اثر تکرار و ایجاد عادت الزام آور شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۴)، به عنوان «مبانی» آن قاعده قابل بررسی خواهد بود.

«اصل بی قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری» نیز به عنوان یک قاعده حقوقی در بستر زمان و در عرف بازرگانانی شکل گرفته است که بر اساس اقتضانات معاملات بازرگانی و پرداخت از طریق اسناد تجاری به ضرورت جریان چنین قاعده ای در خصوص اسناد مزبور پی برده و فارغ از وضع قانون گذاران و بسیار پیش از آن، عمل مطابق مفاد این قاعده را لازم دانسته اند. آن ضرورت ها و نیازهای تجاری که مبانی اصل مذکور قلمداد می گردد، رابطه ای علی یا ثبوتی با این اصل داشته و جریان آن در خصوص تعهدات اسناد تجاری را ایجاب نموده است.

شایان توجه است که اصطلاح «منابع» که در مباحث حقوقی مطرح و مورد بررسی قرار

می‌گیرد، مفهومی متفاوت از «مبانی» دارد و نباید آن را با مبانی اجتماعی و اخلاقی مرادف دانست (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۱۸). بحث از منابع حقوق، به طور کلی پیرامون مقامی است که می‌تواند حقوق را وضع یا اعلام کند (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱) و منبع‌شناسی در خصوص هر یک از قواعد و اصول حقوقی همچون «اصل بی‌قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری»، به معنی یافتن مستندات، مدارک و مراجعی است (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ج ۲: ۶) که اصل مزبور از آنها استخراج و استنباط می‌گردد و شامل قوانین، رویه قضایی دادگاه‌ها و اندیشه‌ها و نظریات حقوقی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ج ۲: ۴). در مباحث فقهی نیز منابع فقه عبارتند از: قرآن، سنت، اجماع، عقل و بنای عقلا؛ در حالی که مبانی احکام و مسائل فقهی از طریق شناسایی و بررسی مقاصد الشریعه و مصالح و مفساد واقعی از جمله مصلحت حفظ جان، حفظ آبرو، حفظ عقل، حفظ نسل، حفظ مال و مصلحت حفظ نظام اقتصادی - که در مقابل آن مفسده تزییع جان، آبرو، عقل، نسل، مال و مفسده اختلال در نظام اقتصادی است - به دست می‌آید (علی اکبریان، ۱۳۹۱، ش ۱: ۵؛ صرامی، ۱۳۹۰، ش ۴: ۳۱). بر اساس همین رویکرد، در مقاله حاضر صرفاً به مبانی «اصل بی‌قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری» پرداخته می‌شود و بررسی منابع آن در خور پژوهشی دیگر است.

۲-۱. مفهوم «اصل بی‌قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری»

شناخت مفهوم «اصل بی‌قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری» در گرو مفهوم‌شناسی هر یک از مفردات یا ترکیباتی است که اصل مزبور را شکل داده‌اند؛ یعنی «اصل»، «بی‌قید و شرط بودن»، «تعهدات» و «اسناد تجاری»:

لغت «اصل» در فرهنگ بزرگ سخن به معنای هر آنچه وجودش به خودش وابسته و متکی باشد، خود چیزی، پایه، اساس، قاعده، قانون، حقیقت و واقعیت آمده است (انوری، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۴۱) و اصطلاح «اصل» از میان تمامی معانی اصطلاحی که در علوم و موضوعات مختلف برای آن ذکر شده است، در حقوق موضوعه و از جمله در خصوص «اصل بی‌قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری» مرادف با «قاعده حقوقی» است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۲۲/۱۵۹۳؛ امامی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۲۹) یعنی قاعده‌ای نشأت گرفته از قانون، شرع، عقل یا عرف و عادت که بیانگر حقیقتی اساسی و بنیادی است؛ به نحوی که حتی اگر اصل مزبور در قوانین مورد شناسایی قرار نمی‌گرفت باز هم شک و تردیدی در مورد اجرای آن و عمل مطابق آن وجود نداشت (جعفری

لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۵۹۲/۴۲۱؛ حبیبی، ۱۳۸۸: ۶).

«قید» در لغت به معنی هر آن چیزی است که انسان را به تکلف و زحمت می‌اندازد و به امری پایبند و ملزم می‌سازد (انوری، ۱۳۸۲، ج ۶: ۵۶۲۵-۵۶۲۴) و لغت «شرط» عبارت است از آنچه برای تحقق و انجام گرفتن امری لازم شمرده می‌شود و یا امری محتمل الوقوع در آینده که وقوع آن، وقوع امر دیگری را ممکن می‌سازد یا الزام می‌کند (انوری، ۱۳۸۲، ج ۵: ۴۴۷۸). اصطلاح «قید» و «شرط» با اینکه غالباً در فقه و حقوق در یک معنا به کار می‌روند، اما در واقع هر یک مفهومی متفاوت از دیگری دارد. «قید» از اجزاء وابسته به مقید و در زمره عناصر سازنده آن بوده و حتی فاقد استقلال نسبی از آن است، به نحوی که اگر قید منتفی شود، مقید نیز از بین خواهد رفت (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۸۴۱۷/۲۲۵۵ و ج ۴: ۱۱۱۰۸/۲۹۷۲)، اما «شرط» الزام و التزام به امری است که مرتبط با امری دیگر (مشروط) باشد (نراقی، بی تا، ج ۳: ۲۵۶؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۷۳؛ تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۱: ۱۰۱۳)، بی آنکه در عناصر مقوم مشروط دخیل گردد. بنابراین مفهوم «بی قید و شرط بودن» عبارت است از اینکه امری به صورت جزء سازنده و یا جزء مرتبط در موضوع مورد نظر - که در اینجا تعهدات اسناد تجاری است - لحاظ نگردد.

«تعهد» از نظر لغوی به معنی چیزی است که به عهده گرفته شده یا مسئولیت آن پذیرفته شده است (انوری، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۷۹۷) و در اصطلاح حقوقی عموماً به مفهوم رابطه‌ای حقوقی در نظر گرفته می‌شود که به موجب آن یک طرف می‌تواند انجام امری را از طرف دیگر مطالبه کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳-۴).

لغت «سند» به معنی نوشته‌ای است که بتوان به وسیله آن ادعایی را اثبات یا رد کرد (انوری، ۱۳۸۲، ج ۵: ۴۲۶۱) و «تجاری» به معنی چیزی است که مربوط به تجارت و داد و ستد می‌باشد (انوری، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۶۱۷). در حقوق تجارت، «اسناد تجاری» - که برات، سفته و چک از مصادیق بارز آن است - به اسنادی اطلاق می‌گردد که جانشین پول نقد بوده، مستقلاً قابل معامله و نقل و انتقال و متضمن پرداخت مبلغ معینی به رؤیت یا با سررسید کوتاه مدت به دارنده سند می‌باشد، (انوری، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۶۱۷) از طریق ظهنویسی انتقال می‌یابد (اسکینی، ۱۳۹۴: ۱۸) و از امتیازات و مقررات ویژه قانونی تبعیت می‌کند.

با توجه به آنچه بیان گردید، به نظر می‌رسد «اصل بی قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری» نشأت یافته از وصف تنجیزی اسناد تجاری است و مفهوم این ارتباطی تنگاتنگ با مفهوم

وصف مزبور دارد؛ وصفی که بیانگر لزوم منجز و قطعی بودن مندرجات و تعهدات موضوع اسناد تجاری است و اگر سند تجاری فاقد وصف تنجیزی باشد، حقوق دارنده آن متزلزل شده (عرفانی، ۱۳۹۳، ج ۳: ۸) و در انتقال و گردش سریع این اسناد اختلال ایجاد می‌شود. سند تجاری که منجز نباشد، قابلیت معاملی خود را از دست می‌دهد و امکان این را که جایگزین پول نقد شود پیدا نمی‌کند (بهرامی، ۱۳۹۶: ۲۸؛ کرم نژاد، ۱۳۹۱، ش ۷: ۹۷). به همین ترتیب، «اصل بی‌قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری» نیز بیانگر آن است که در نظام حقوقی حاکم بر اسناد تجاری، مطلق و قطعی بودن تعهدات میان طرفین (مسئولین سند و دارنده آن) - قاعده‌ای مبتنی بر واقعیات و نیازهای تجاری است. به موجب این اصل، تعهدات موضوع اسناد تجاری منجز و قطعی بوده و خالی از هرگونه تعلیق، اناطه و اشتراط می‌باشد؛ چراکه طبیعت تعهدات تجاری اقتضا دارد که هم ایجاب و انشاء و هم آثار حاصل از آن به صورت منجز و غیر معلق صورت پذیرد (بهرامی، ۱۳۹۶: ۲۸). تعهدات اسناد تجاری لازم است متضمن دستور پرداخت بدون قید و شرط بوده و معلق و منوط بر وقوع احتمالات یا امر دیگری نگردد («اسناد تجاری»، ۱۳۸۴، ش ۳۶: ۵۳؛ بهرامی، ۱۳۹۶: ۲۸؛ صادقی مزیدی، ۱۳۹۲: ۲۲-۲۱).

۲. مبانی حقوقی

۲-۱. ضرورت جایگزینی اسناد تجاری به جای پول نقد

با گسترده و پیچیده شدن روابط تجاری و افزایش حجم معاملات و مبادلات بازرگانی به‌ویژه در سطح بین‌المللی، پول نقد به واسطه مسائلی چون خطرات و سختی‌های مربوط به حمل و شمارش آن، زمان بر بودن تبدیل به پول خارجی، مدت پذیر نبودن و... نمی‌توانست ابزار مناسبی برای پرداخت‌های تجاری باشد و از همین رو بازرگانان دست به ایجاد نهادها و ابزارهایی تحت عنوان «اسناد تجاری» زدند تا در معاملاتشان، جایگزین پول نقد گردد و علاوه بر نداشتن مشکلات مربوط به پول از تضمینات کافی برخوردار باشد (عبدالملکی، ۱۳۸۹، ش ۶۹: ۱۱۸؛ اخلاقی، ۱۳۵۸، ش ۲۱: ۹؛ درویشی هویدا، ۱۳۹۵، ش ۸۵: ۴۳).

به عبارت دیگر، فلسفه وجودی و ماهیت اصلی اسناد تجاری استفاده از آنها به‌عنوان ابزاری مناسب برای پرداخت و قابلیت جایگزینی آنها به جای پول نقد است. این اسناد باید بتوانند نقش پول را ایفا کنند و پرداخت از طریق آنها در حکم پرداخت نقدی باشد (عبدالملکی، ۱۳۸۹، ش ۶۹:

۱۲۷؛ اخلاقی، ۱۳۵۸، ش ۲۱: ۲۵-۲۴؛ نوروزی مهبیاری، ۱۳۹۵، ش ۲: ۸۰؛ شیوا رضوی، بی تا: ۱۳؛ صادقی مزیدی، ۱۳۹۲: ۷-۵). در واقع، عنصر ماهوی و اصلی در اسناد تجاری به معنای خاص (برات، سفته و چک) این است که متضمن ایجاد اعتبار پولی یا توثیق آن می باشند (عبدالملکی، ۱۳۸۹، ش ۶۹: ۱۵۳؛ نوری، ۱۳۸۳، ش ۱۳: ۱۵۹) یعنی اسناد مزبور معرف حق دینی حال یا با وعده کوتاه مدت بوده و اساساً موضوع آنها مقدار معینی پول است.

استفاده از اسناد تجاری به جای پول نقد و گردش آنها، دارای فواید اقتصادی بسیاری است و علاوه بر آنکه اساس کار بازرگانان را شکل می دهد و برای اشخاص تاجر و غیر تاجر کاربرد فراوان دارد، در سطح جامعه نیز موجب کاهش نقدینگی و تورم، کاهش هزینه های چاپ اسکناس و مشکلات مربوط به تأمین امنیت معاملات نقدی و نهایتاً باعث گردش چرخ های صنعتی و سرمایه های کشورها، رشد و شکوفایی اقتصادی آنها و گسترش مبادلات و روابط تجاری داخلی و خارجی می شود (برزش آبادی، ۱۳۹۰، ش ۱۹ و ۲۰: ۱۳۹؛ مسعودی، ۱۳۷۹، ش ۱۷۱: ۱۰۴-۱۰۳؛ درویشی هویدا، ۱۳۹۵، ش ۸۵: ۴۳).

از لحاظ حقوقی و بر مبنای ضرورت جایگزینی اسناد تجاری به جای پول نقد، اسناد مزبور لازم است به گونه ای صادر شده و گردش نمایند که همانند پول و با کارکردهای آن بتوانند به عنوان ابزار پرداخت فراگیر در معاملات مورد استفاده قرار گرفته و با تکنیک های فوری قابل تبدیل به پول نقد باشند (صقری، ۱۳۹۴: ۴۹؛ عبدالملکی، ۱۳۸۹، ش ۶۹: ۱۲۴) در غیر این صورت حتی قابلیت توصیف به وصف تجاری را نخواهند داشت (شیوا رضوی، بی تا: ۲۲). در این راستا ضروری است که عمده خواص و ویژگی های پول به این اسناد سرایت کند و قواعد، اصول، اوصاف و امتیازات خاصی برای آنها در نظر گرفته شود تا بتوانند با اتکا به همین ویژگی ها مورد حمایت خاص قانون گذار قرار گرفته و در مبادلات بازرگانی نقش پول را ایفا نموده و جایگزین آن گردند («اسناد تجاری»، ۱۳۸۴: ۳۶-۵۳-۵۲؛ درویشی هویدا، ۱۳۹۵، ش ۸۵: ۶۲؛ برزش آبادی، ۱۳۹۰، ش ۱۹ و ۲۰: ۱۲۶ و ۱۳۹؛ نوروزی مهبیاری، ۱۳۹۵، ش ۲: ۶۹؛ مسعودی، ۱۳۷۹، ش ۱۷۱: ۱۰۳). بنابراین همان طور که پول به سادگی قابل نقل و انتقال است، اسناد تجاری نیز با برخورداری از امکان «ظهرنویسی و نقل و انتقال ساده» به وصف جایگزینی به جای پول نقد عینیت می بخشند (درویشی هویدا، ۱۳۹۵، ش ۸۵: ۵۴؛ شیوا رضوی، بی تا: ۲۹۸). به علاوه، ضرورت مذکور موجب گردیده است گاه خصوصیت ظاهری و شکلی اسناد تجاری بر موقعیت حقوقی آنها غلبه یابد (سید احمدی سجادی،

۱۳۸۱، ش ۱۴: ۹۰) و در نتیجه، اصولی چون «اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات» و «اصل استقلال امضات» در مورد این اسناد جریان یابد. به همین ترتیب از آنجا که پول سندی فوری، قطعی و بی قید و شرط برای پرداخت است، اسناد تجاری نیز در جهت تحقق شباهت هر چه بیش تر با آن لازم است به صورت منجز و قطعی به گردش درآیند. به عبارت دیگر، وصف جایگزینی اسناد تجاری مبنا و منشأ اساسی در حاکم شدن «وصف تنجیزی» و جریان «اصل بی قید و شرط بودن تعهدات» این اسناد است. اگر تعهدات موضوع یک سند تجاری منوط بر تحقق قید و یا معلق بر وقوع شرطی شود، به معنای تردید در امکان وصول طلب و وجود احتمال عدم پرداخت است و این امر، قطعیت و اطمینان بابت پرداخت را از بین می برد و یقیناً چنین سندی قابلیت جایگزینی به جای پول نقد را نخواهد داشت (عبدالملکی، ۱۳۸۹، ش ۶۹: ۱۳۶-۱۳۵). از همین روست که گفته می شود وجود قید و شرط در تعهدات اسناد تجاری، ناقض فلسفه وجودی و خلاف مقتضای ذات این اسناد بوده و مانع ایفای نقش اساسی و اصولی آنها می شود (کرم نژاد، ۱۳۹۱، ش ۷: ۹۷).

۲-۲. ضرورت تأمین سرعت، سهولت و امنیت در گردش اسناد تجاری

در دنیای تجارت به هر میزان که سرمایه ها سریع تر گردش کنند، قراردادها با سرعت بیش تری منعقد شده و اجرایی گردند و پرداخت ها به سریع ترین شیوه ممکن صورت پذیرد، به همان اندازه فعالیت های تجاری، شرکت های تجاری و بنگاه های اقتصادی افزایش و روابط تجاری توسعه می یابد و در نتیجه رشد و شکوفایی اقتصادی و رفاه بیش تری برای جامعه فراهم می گردد. بی شک با به کارگیری تشریفات و سخت گیری های ناظر بر روابط و قراردادهای مدنی نمی توان به سرعت مورد نیاز در اعمال تجاری دست یافت و به نظر می رسد لازمه تأمین سرعت در امور تجاری، پیش بینی راهکارهایی است که این امور به سهولت انجام پذیرد. از سوی دیگر، مقوله اعتبار و امنیت در روابط تجاری جایگاهی بسیار مهم دارد و معاملات تجاری غالباً بر مبنای اعتبار تجار و به طور غیر نقدی انجام می شود. از این رو سرعت و سهولت تنها در صورتی می تواند اهداف تجاری مورد نیاز را محقق سازد که اعتبار و امنیت لازم از طریق سازوکارهایی تأمین گردد (احمدی، ۱۳۹۶، ش ۸: ۱۳۹-۱۴۰). در همین راستا تشریفات کند تنظیم اسناد رسمی با ضرورت تأمین سرعت و سهولت عملیات تجاری منافات دارد. به علاوه، اسناد عادی نیز فاقد تضمینات و اعتبار و امنیت کافی است و نمی تواند ابزار مناسبی برای پرداخت ها باشد و بازرگانان تمایلی به استفاده از اینگونه

اسناد ندارند. از این رو اسناد تجاری برای وصول به اهداف خاص تجاری و به تناسب مقتضیات این حوزه ایجاد شده و جهت تأمین سرعت، سهولت و امنیت لازم، توسعه و ترویج یافته‌اند («اسناد تجاری»، ۱۳۸۴، ش ۳۶: ۵۲؛ اخلاقی، ۱۳۵۸، ش ۲۱: ۹-۸؛ احمدی، ۱۳۹۶، ش ۸: ۱۴۰-۱۳۹؛ کرم نژاد، ۱۳۹۱، ش ۷: ۹۶ و ۱۰۰؛ مسعودی، ۱۳۷۹، ش ۱۷۱: ۱۰۱؛ نوروزی مهبیاری، ۱۳۹۵، ش ۲: ۶۹؛ شیوا رضوی، بی تا: ۱۴-۱۳ و ۳۱۹؛ عرفانی، ۱۳۹۳، ج ۳: ۸۰؛ مرتضوی، ۱۳۹۴: ۵).

در واقع برای آنکه اسناد تجاری بتواند جایگزین مناسبی برای پول نقد باشد و اشخاص - چه تاجر و چه غیر تاجر - نسبت به استفاده از این اسناد به جای پول رغبت پیدا کرده و نیازهای جامعه تجاری در این جهت تأمین گردد، باید این اطمینان حاصل شود که اسناد مزبور ایمنی کافی برای تبدیل سریع و آسان به پول را دارد. بدین منظور لازم است اصول و اوصافی بر آنها حاکم گردد که تأمین کننده اهداف و ضرورت‌های مورد نظر باشد. در این صورت است که این اسناد به‌عنوان ابزاری مناسب، مطمئن و سریع در پرداخت‌های تجاری بستر مناسبی را برای انجام معاملات انبوه فراهم خواهد نمود و در رونق معاملات اعتباری و نقل و انتقال امن، آسان و سریع ثروت نقش مهمی را ایفا خواهد کرد (کرم نژاد، ۱۳۹۱، ش ۷: ۱۰۶؛ عبدالملکی، ۱۳۸۹، ش ۶۹: ۱۲۷؛ اخلاقی، ۱۳۹۶، ش ۱۲: ۹۱؛ ۱۳۵۸، ش ۲۱: ۲۱-۲۹؛ احمدی، ۱۳۹۶، ش ۸: ۱۲۴؛ نوری، ۱۳۸۳، ش ۱۳: ۱۶۰؛ مسعودی، ۱۳۷۹، ش ۱۷۱: ۱۰۴؛ شیوا رضوی، بی تا: ۳۲۰). بنابراین اسناد تجاری باید به‌صورت مال منقول غیر مادی درآید و ارزش و اعتباری مستقل و مجرد از روابط مبنایی داشته باشد. به عبارت دیگر، لازم است تعهدات موضوع این اسناد به صرف امضا کامل شود و در اعتبار طلب منعکس در آن تردیدی باقی نماند تا همانند پول ارزشی قائم به خود داشته و قابل مبادله با هر کالایی باشد (عبدالملکی، ۱۳۸۹، ش ۶۹: ۱۱۷؛ «اسناد تجاری»، ۱۳۸۴، ش ۳۶: ۵۳؛ نوری، ۱۳۸۳، ش ۱۳: ۱۶۰). چنین ضرورتی موجب طرح تئوری «عمل به ظاهر» یا «حکومت ظاهر» در اسناد تجاری گردیده که برخلاف قواعد عام مدنی بوده و به‌عنوان مبنای «وصف تجردی» نیز شناخته شده است تا این اسناد را هر چه بیش تر به پول نقد شبیه سازد (نوری، ۱۳۸۳، ش ۱۳: ۱۶۱؛ الله آبادی، ۱۳۷۷، ش ۱۰ و ۱۱: ۲۶؛ مافی و عبدالصمدی، ۱۳۹۴، ش ۷۷: ۱۳۸؛ برزش آبادی، ۱۳۹۰، ش ۱۹ و ۲۰: ۱۲۵؛ مسعودی، ۱۳۷۹، ش ۱۷۱: ۱۲۳-۱۲۲؛ درویشی هویدا، ۱۳۹۵، ش ۸۵: ۵۰؛ شیوا رضوی، بی تا: ۵). ناگفته پیداست که «وصف قابلیت نقل و انتقال ساده اسناد تجاری» و امکان گردش آنها از طریق اقباض و یا ظهرنویسی نیز مبتنی بر همین نظریه و در راستای تأمین ضرورت مذکور است (درویشی هویدا، ۱۳۹۵، ش ۸۵: ۴۵؛ «اسناد تجاری»، ۱۳۸۴، ش ۳۶: ۵۳؛ نوروزی مهبیاری، ۱۳۹۵، ش ۲: ۷۸؛ سید احمدی سجادی، ۱۳۸۱، ش ۱۴: ۹۰؛ احمدی،

۱۳۹۶، ش ۸: ۱۴۰).

مضاف بر اینها، تردیدی نیست که ایجاد تعلیق، تقیید یا اشتراط در تعهداتی که مسئولان سند تجاری بر عهده دارند با قابلیت در گردش بودن این اسناد، حکومت ظاهر در آنها و به طور کلی با طبیعت اسناد مزبور و روح قواعد و ضرورت‌های حاکم بر حوزه تجارت به‌ویژه ضرورت سرعت، سهولت و امنیت تجاری منافات دارد («اسناد تجاری»، ۱۳۸۴، ش ۳۶: ۵۳؛ مسعودی، ۱۳۷۹، ش ۱۷۱: ۱۲۰). اقتضای ضرورت تسریع و تسهیل در گردش اسناد تجاری این است که تعهدات این اسناد بی‌قید و شرط و به‌صورت منجز و قطعی صورت پذیرد. معلق نمودن تعهدات مسئولان سند بر اموری احتمالی نه تنها مانع گردش سریع و آسان اسناد تجاری است بلکه با مخدوش ساختن تعهدات امضاکنندگان آن (کرم نژاد، ۱۳۹۱، ش ۷: ۹۷؛ مسعودی، ۱۳۷۹، ش ۱۷۱: ۱۲۰) امنیت و اعتبار لازم را از سند تجاری می‌گیرد و به ابزاری برای ایجاد ایرادات و مشکلات مازاد بدل خواهد شد.

۳-۲. ضرورت حمایت از حقوق دارنده اسناد تجاری

نیازها و مقتضیات تجارت پیچیده و گسترده امروز، موجب پیدایش اسناد تجاری و به‌کارگیری مقررات و اصولی ویژه و بی‌سابقه در مورد آنها شده است تا به نحو شایسته‌ای بتوانند جایگزین پول نقد شده و کارکردهای مورد انتظار در معاملات و روابط تجاری را عملی سازند. جهت تحقق این هدف لازم است این اسناد تا حد امکان از خصایص و اوصاف پول برخوردار گردیده و به آن شباهت پیدا کنند. از جمله ویژگی‌های پول این است که اصولاً دارنده پول مالک قانونی آن محسوب می‌شود. در نتیجه، کسی که پول را در اختیار دارد بی‌آنکه با اشکال و مانعی روبرو گردد، می‌تواند از آن به‌عنوان ابزاری ساده و مطمئن در معاملات و پرداخت‌های خود استفاده نموده و نیازهای خود را مرتفع سازد. مقصود نهایی در اسناد تجاری نیز وصول وجه مندرج در سند و پرداخت آن به دارنده بوده و لازم است وی از این امر اطمینان کافی پیدا کند و نقل و انتقالات قبلی موجب تزلزل حقوق او نگردد.

در واقع حمایت از حقوق دارنده اسناد تجاری ضرورتی انکارناپذیر و تضمینی در جهت اعتبار هرچه بیش‌تر این اسناد و رواج آنها می‌باشد. بدیهی است هر عاملی که موجب تزلزل و تضعیف حقوق دارنده سند تجاری گردد و از اعتماد و اطمینان وی به وصول طلب مبتنی بر سند بکاهد با فلسفه پیدایش اسناد مذکور تناقض دارد و مانعی در مسیر تحقق اهداف و ضرورت‌های اقتصادی و

تجاری خواهد بود (احمدی، ۱۳۹۶، ش ۸: ۱۲۵؛ الله آبادی، ۱۳۷۷، ش ۱۰ و ۱۱: ۱۸؛ برزش آبادی، ۱۳۹۰، ش ۱۹ و ۲۰: ۱۲۸؛ ۱۳۹؛ نوری، ۱۳۸۳، ش ۱۳: ۱۶۱-۱۵۹ و ۱۶۷-۱۶۶؛ کرم نژاد، ۱۳۹۱، ش ۷: ۹۸؛ مسعودی، ۱۳۷۹، ش ۱۷۱: ۱۰۴ و ۱۱۰ و ۱۱۲). از همین روست که مقررات قانونی در خصوص حق دارنده اسناد تجاری جزء قوانین امری و به منظور حمایت از دارندگان این اسناد و تأمین ارزش و اعتبار اسناد مزبور به شمار می‌رود (شیوارضوی، بی‌تا: ۱۷۶).

نظریه «عمل به ظاهر» در این جهت نیز بازتاب دارد و بر اساس آن می‌توان حقوق دارنده‌ای را که به ظاهر بی‌اشکال سند اعتماد کرده است بر حقوق امضاکنندگانی که مطابق واقعیت حقوقی چه بسا هیچ مسئولیتی نداشته باشند، مقدم دانست. در نتیجه، بر اساس اماره «حسن نیت دارنده» تا زمانی که سوء نیت وی در تحصیل و ابراز سند احراز نشود، امضاکنندگان در مقابل او متعهد به پرداخت می‌باشند (احمدی، ۱۳۹۶، ش ۸: ۱۲۵؛ الله آبادی، ۱۳۷۷، ش ۱۰ و ۱۱: ۱۸؛ برزش آبادی، ۱۳۹۰، ش ۱۹ و ۲۰: ۱۲۸؛ ۱۳۹؛ نوری، ۱۳۸۳، ش ۱۳: ۱۶۱-۱۵۹ و ۱۶۷-۱۶۶؛ کرم نژاد، ۱۳۹۱، ش ۷: ۹۸؛ مسعودی، ۱۳۷۹، ش ۱۷۱: ۱۰۴ و ۱۱۰ و ۱۱۲). پس هرگاه سند تجاری از ظاهری صحیح برخوردار باشد، نسبت به دارنده معتبر تلقی می‌شود و وی می‌تواند با بهره‌مندی از حمایت‌های قانونی و انجام وظایف مربوطه با ارائه سند مزبور در سررسید معین یا به رؤیت، پرداخت مبلغ مندرج در سند را از مسئولین پرداخت تقاضا نموده و امضاکنندگان نمی‌توانند از ادای مسئولیت خود در مقابل او سر باز زنند.

حمایت‌هایی که قانون‌گذار تجاری از دارنده این اسناد به عمل می‌آورد اشکال مختلفی دارد و به طور کلی می‌توان گفت تمامی امتیازات ویژه اسناد تجاری به معنی خاص بر همین مبنا شکل گرفته است. از جمله مهم‌ترین این امتیازات «اصل استقلال امضانات»، «اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات» و «اصل مسئولیت تضامنی امضاکنندگان اسناد تجاری» است که دارنده را از تحقیق و جستجو در مورد روابط منشأ صدور سند، علت تعهدات هریک از امضاکنندگان و یا سمت نمایندگی احتمالی بعضی از آنها و مواردی از این قبیل معاف می‌سازد و موجب می‌شود دارنده با برخورداری از حقی مستقل و تام برای دریافت طلب خود با ادعاها و ایرادات متعدد مسئولین پرداخت روبرو نگردد و صرفاً با اعتماد به ظاهر سند حق اقامه دعوا علیه همه آنان را داشته باشد (درویشی هویدا، ۱۳۹۵، ش ۸۵: ۵۰؛ برزش آبادی، ۱۳۹۰، ش ۱۹ و ۲۰: ۱۲۶؛ مسعودی، ۱۳۷۹، ش ۱۷۱: ۱۰۶ و ۱۲۹؛ احمدی، ۱۳۹۶، ش ۸: ۱۴۳؛ سید احمدی سجادی، ۱۳۸۱، ش ۱۴: ۹۵-۸۹ و ۱۰۲-۱۰۱؛ الله آبادی،

۱۳۷۷، ش ۱۰ و ۱۱: ۲۰-۷؛ شیوارضوی، بی تا: ۲۱۶ و ۳۲۹).

«اصل بی قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری» نیز یکی از امتیازات خاص این اسناد است که برخلاف قواعد حاکم بر تعهدات مدنی و در راستای «وصف تنجیزی» این اسناد بر مبنای ضرورت حمایت از حقوق دارنده ایجاد گردیده است («اسناد تجاری»، ۱۳۸۴، ش ۳۶: ۵۳). وابستگی و معلق بودن تعهدات امضاکنندگان اسناد تجاری بر تحقق قیود و شروط مختلف، تضمینی برای حفظ حقوق دارنده باقی نخواهد گذاشت و به نظر می رسد هیچ امری به اندازه تعلیق و عدم قطعیت تعهدات موضوع سند، حقوق دارنده را پایمال و متزلزل نکرده و از اعتبار و امنیت سند نمی کاهد؛ چرا که در این حالت دارنده سند همواره با این احتمال روبروست که هر امضاکننده مدعی مشروط یا مقید بودن تعهدات خود شود و با طرح ادعاهایی مبتنی بر آن از قبیل عدم تحقق شروط مندرج، از انجام تعهدات خود و پرداخت طلب دارنده ممانعت ورزد.

۳. مبانی فقهی

در بررسی دیدگاه فقه نسبت به «مبانی اصل بی قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری» باید گفت اصطلاح «مبانی» در لسان فقهی چندان مستعمل نبوده و به جای آن اصطلاح «حکمت حکم» توسط فقها به معنی مصلحتی که شارع در تشریح حکم قصد کرده است به کار گرفته می شود (علی اکبریان، ۱۳۹۱، ش ۱: ۵-۴). به عبارت دیگر، آنچه در علم حقوق با عنوان مبانی یک قاعده حقوقی بررسی می شود، در فقه با اصطلاح مصالح یا حکمت های تشریح احکام لحاظ می گردد و از آن حیث که مقصود شارع مقدس در تشریح احکام بوده، با عنوان «مقاصد شریعت» به معنی اهداف و غایات احکام شریعت (علی اکبریان، ۱۳۹۱، ش ۱: ۵؛ صرامی، ۱۳۹۰، ش ۴: ۳۱) نیز شناخته می شود.

«مقاصد الشریعه» همواره به عنوان یکی از مهم ترین مباحث اصولی عامه مطرح بوده که بر اساس آن، مقصد یا غایت هر حکم شرعی را تأمین مصلحتی خاص می دانند و در صورتی که عقل مصلحتی را کشف نماید، حکم شرعی متناسب با آن را جاری خواهند نمود (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۹۶، ش ۶: ۱۳۶؛ صرامی، ۱۳۹۰، ش ۴: ۳۳-۳۲).

در مقابل، اصولیون و فقهای امامیه رویکردهای متفاوتی نسبت به «مقاصد الشریعه» داشته اند. برخی از بیم گرفتاری در قیاس که مورد نفی معصومین^(ع) بوده، تا حد ممکن از کشف عقلی حکمت ها و مقاصد احکام دوری جسته و آن را روشی مطرود و بی اعتبار تلقی نموده اند، اما برخی

از فقها نیز از جمله شهید اول، محقق حلی، فاضل مقداد و به‌ویژه فقهای بزرگ معاصر همچون شهید محمد باقر صدر، محمد جواد مغنیه و امام خمینی با توجه به نقش مقاصد شریعت و مصالح احکام در پویایی فقه اسلامی، در عین اجتناب از گرفتار شدن در دام قیاس و عقل‌گرایی افراطی به مصالح موجود در احکام تأکید کرده و در موارد بسیاری از آن در استنباط احکام شرعی استفاده نموده‌اند (شوشتری و حیدری خورمیزی، ۱۳۹۶، ش ۶: ۱۳۵). در واقع، رویکرد این گروه از فقهای شیعه نسبت به مقاصد شریعت بر محور «تبعیت احکام از مصالح و مفسدات واقعی» است و مقاصد شریعت را اهداف و غایاتی می‌دانند که در تشریح و جعل احکام در راستای جلب مصالح و دفع مفسدات برای انسان‌ها مدنظر شارع بوده است (نقیبی، ۱۳۹۶، ش ۲: ۲۲۳؛ محصلی، ۱۳۹۱، ش ۲۲: ۱۰۹؛ صرامی، ۱۳۹۰، ش ۴: ۳۱). بر همین اساس مقصد و ملاک احکام اسلامی در مصالح و مفسدات قابل جستجو می‌باشد و هرگاه مصالح و مفسدات تغییر کند یا مصلحت و مفسده جدیدی ایجاد گردد به معنی تغییر در مقصد و علت حکم یا ایجاد مقاصدی متناسب با آن است که مستلزم تغییر در احکام می‌باشد (مطهری، بی‌تا: ۲۹۹-۳۰۰). پایه چنین رویکردی - که گاهی با عنوان «نقش مقتضیات زمان و مکان در احکام و شرایع اسلام» نیز شناخته می‌شود - (شوشتری و ناصر مقدم و صابری، ۱۳۹۵، ش ۱: ۹۱؛ محصلی، ۱۳۹۱، ش ۲۲: ۱۱۶؛ جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ج ۳۴: ۱۱۸-۱۱۹) اعتقاد به «حسن و قبح عقلی» است که مطابق آن، هر عملی که به اقتضای درک عقل دارای حسن یا مصلحت لازم‌التحصیل باشد با انضمام قاعده ملازمه می‌توان به وجوب شرعی آن حکم داد و به همین ترتیب، هر عملی که عقلاً قبیح یا دارای مفسده لازم‌الاجتناب باشد شرعاً حرام خواهد بود (وطنی و حیدرزاده، ۱۳۹۴، ش ۴: ۵۵۹؛ جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ج ۴۱: ۲۹؛ شاکری، ۱۳۹۱، ش ۱۴: ۷۷-۷۵). در نتیجه می‌توان گفت مصالح و مفسدات که عقل آن را ادراک و احراز می‌نماید جزء مقاصد شارع می‌باشد؛ اگرچه دلیل خاص شرعی در مورد آن وجود نداشته باشد (وطنی و حیدرزاده، ۱۳۹۴، ش ۴: ۵۵۹؛ شوشتری و حیدری خورمیزی، ۱۳۹۶، ش ۶: ۱۲۸-۱۳۵).

توجه به مصالح و مفسدات و نقش آن در وضع احکام و قوانین، موجب می‌گردد که فقه اسلامی بتواند پاسخگوی نیازها و مقتضیات همه زمان‌ها و مکان‌ها باشد و به نحو مؤثری مسائل مستحدث و مبتلابه مردم را ساماندهی نماید (شاکری، ۱۳۹۱، ش ۱۴: ۷۷؛ نقیبی، ۱۳۹۶، ش ۲: ۲۳۸؛ جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ج ۴۱: ۱۲۰-۱۱۸؛ شوشتری و حیدری خورمیزی، ۱۳۹۶، ش ۶: ۱۲۴). از جمله موضوع اسناد تجاری و اصول و قواعد حاکم بر آن که همچون بسیاری دیگر از موضوعات تجاری و اقتصادی با

تکیه بر رویکرد مقاصدی یا توجه به مصالح و مفساد واقعی قابلیت بررسی و مطالعه فقهی می‌یابد. در همین راستا، بررسی فقهی «اصل بی‌قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری» و مبانی و ضرورت‌هایی که موجب شکل‌گیری چنین اصلی در عرف بازرگانان و شناسایی آن در اسناد و قوانین بین‌المللی گردیده و با عنایت به مصالح و مفساد که در اجرا یا عدم اجرای این اصل نهفته است، در ذیل دو عنوان «مصلحت حفظ مال» و «منع اختلال در نظام اقتصادی» صورت می‌پذیرد:

۱-۳. مصلحت حفظ مال

مصلحت به معنی منفعت و فایده می‌باشد که در مقابل، مفهوم سلبی دفع مفسده و زیان را نیز به همراه دارد (دارینی، ۱۳۸۰، ش ۱۹: ۲۴۷) و همان‌طور که گفته شد، توجه به مصالح و مفساد با توجه به مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی در اجتهاد و استنباط احکام شرعی، لازمه فقهی پویاست که جامعیت و بقای شریعت را تضمین می‌نماید (دارینی، ۱۳۸۰، ش ۱۹: ۲۵۱).

در اصول فقه شیعه که عقل یکی از منابع استنباط احکام شمرده می‌شود، تشخیص مصلحت جلوه‌ای از کارکردهای عقل است و خود منبع مستقلی برای استنباط احکام به شمار نمی‌رود (دارینی، ۱۳۸۰، ش ۱۹: ۲۵۶؛ عرفانی، ۱۳۸۸، ش ۹: ۱۹۲) و از همین رو، این مصلحت سنجی عقلی تابع ادله‌ای خواهد بود که شرع معین نموده است (دارینی، ۱۳۸۰، ش ۱۹: ۲۵۲؛ عرفانی، ۱۳۸۸، ش ۹: ۱۹۲) و بر اساس ضرورت‌ها یا مصالحی که عقل ادراک می‌کند در چهارچوب ادله می‌توان حکم بسیاری از موضوعاتی که در شرع، نص یا حکم خاصی در مورد آنها وجود ندارد، به دست آورد.

اصولیون عامه مصلحت را برابر با هدف و مقصود شریعت دانسته و مصالح را از لحاظ درجه ارزش و اهمیت به «ضروریات»، «حاجیات» و «تحسینات» تقسیم نموده‌اند (ملک افصلی اردکانی، ۱۳۹۶، ش ۶: ۱۳۶). ایشان «ضروریات» را مصالحی می‌دانند که اصل و قوام زندگی انسان‌ها به آن وابسته است و فقدان آن موجب اختلال و زوال در زندگی دنیوی یا اخروی می‌شود. این دسته از مصالح که در پیوند با تداوم زندگی انسان و مؤثر در بقای اوست (مبلغی، ۱۳۸۷، ش ۴: ۱۰)، در قالب کلیات پنجگانه یعنی حفظ «دین»، «جان»، «عقل»، «نسل» و «مال» شناسایی گردیده است (نقیبی، ۱۳۹۶، ش ۲: ۲۲۵ و ۲۳۸؛ محصلی، ۱۳۹۱، ش ۲۲: ۱۱۷-۱۱۶؛ ملک افصلی اردکانی، ۱۳۹۶، ش ۶: ۱۳۶) و به گفته امام محمد غزالی، هر امری که اصول پنجگانه مزبور را تضمین نماید، جلب آن مصلحت

دارد و هر چیزی مانع یا مخل این اصول باشد، دفع آن دارای مصلحت است (عرفانی، ۱۳۸۸، ش ۹: ۱۷۹؛ دارینی، ۱۳۸۰، ش ۱۹: ۲۵۴-۲۵۰). دسته دوم یعنی «حاجیات» مصالحی هستند که هر چند اساس حیات و زندگی جامعه انسانی وابسته به آن نیست، اما توجه به آن جهت توسعه زندگی و رهایی از سختی و مشقت لازم به نظر می‌رسد؛ مصالحی که مردم عادتاً از آن بی‌نیاز نبوده و زندگی‌شان بدون آن سامان نمی‌یابد و اگر اساس و معیار ضروریات، اضطرار و ناگزیری نظام زندگی از تأمین آن است، اساس و معیار این قسم دوم، احتیاج سامان‌یابی زندگی به آن است. کارکرد این مقاصد، ایجاد گشایش و آسانی در زندگی و رفع عسر، تنگی و دشواری می‌باشد. نهایتاً مراد از «تحسینات» مصالحی است که تأمین‌کننده کرامات، ارزش‌ها و عادات پسندیده اخلاقی و انسانی بوده و مقتضای مروت و انسانیت می‌باشد. شأنیت تکمیلی و تجملی این قسم از مقاصد مقتضی آن است که نظم و سیر زندگی انسان بر اینگونه مقاصد متوقف نیست و فقدان آن موجب اختلال، ضرر و حرج نمی‌شود و تنها نقصانی در سطوح کمالی زندگی ایجاد خواهد شد (نقیبی، ۱۳۹۶، ش ۲: ۲۲۵ و ۲۳۸؛ محصلی، ۱۳۹۱، ش ۲۲: ۱۱۷-۱۱۶؛ ملک افصلی اردکانی، ۱۳۹۶، ش ۶: ۱۳۶).

هر چند این تقسیم‌بندی سه‌گانه از مصالح، که توسط شهید اول نیز در کتاب القواعد و الفوائد ذکر شده، در منابع شیعی چندان مورد توجه واقع نگردیده است (قدیر و ساریخانی، ۱۳۹۰، ش ۳۵: ۸۶) اما نافی آن نیست که تقسیم و تعاریف مذکور براساس مبانی و ادله استنباط در فقه شیعه مورد قبول باشد؛ چرا که آیات و روایات بسیاری دلالت بر آن داشته و می‌تواند مستند صدور احکام و وضع قوانین در آن خصوص قرار گیرد؛ هم‌چنانکه بسیاری از قواعد فقهی چون لاضرر، نفی حرج و امثال اینها بر مدار مصالح قرار دارد.

بر همین اساس و از آنجا که مال نقش مهم و ضروری در زندگی فردی و اجتماعی، رفع نیازهای جسمی و روحی، حفاظت از دین و کیان جامعه و ... دارد یکی از مصلحت‌هایی که شارع آن را معتبر دانسته و در راستای حفظ و تأمین آن احکام متعددی را تشریح نموده، مصلحت حفظ مال است (عرفانی، ۱۳۸۸، ش ۹: ۱۸۱ و ۱۸۲) چرا که نقش مال در زندگی فردی و اجتماعی، رفع نیازهای جسمی و روحی، حفاظت از کیان جامعه و دین، مسائل فرهنگی و تحقق آرمان‌های دینی و ... بسیار مهم و بدیهی است. از همین روست که شرع و عقل حکم می‌کند به وجوب و ضرورت حفظ مال از تضييع و اتلاف و وضع هرگونه قواعد و مقرراتی که موجب زیادت و گردش بیش‌تر مال و ثروت گردد (مزیغه، ۱۴۳۵، ش ۵۸۵: ۱۷-۱۶).

در همین راستا و با عنایت به نیازها و ضرورت‌های تجاری - به شرحی که پیش از این بیان گردید - می‌توان گفت بی‌قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری از لوازم تأمین مصلحت حفظ مال و امنیت آن می‌باشد؛ زیرا تردیدی نیست که جریان «اصل بی‌قید و شرط بودن» در خصوص تعهدات موضوع اسناد تجاری موجب می‌شود دارندگان این اسناد با احتمال عدم دریافت وجه سند در سررسید به واسطه عدم تحقق قیود یا شروط مختلف روبرو نگردند و اسناد مزبور به‌عنوان ابزار پرداخت قطعی، مطمئن و سریع به جای پول نقد مورد استفاده تجار و غیر تجار قرار گیرد و به تدریج، هرچه اعتماد مردم و به تبع آن، رواج اسناد تجاری در جامعه بیش‌تر شود، سرمایه‌های کوچک بی‌شماری که عمدتاً در صندوق‌های خصوصی اشخاص، خانواده‌ها، کسبه و مردم عادی انباشته شده و برای مخارج روزمره به کار می‌رود و نیز پول نقدی که در معاملات خرد و کلان رد و بدل می‌گردد، در حساب‌های مطمئن و ایمن بانک‌ها نگهداری می‌شود و سرمایه‌های عظیمی را ایجاد می‌کند که به سهولت در به کار انداختن چرخ‌های تولیدی و اقتصادی قابل استفاده است و یکی از پایه‌های اساسی رشد و پیشرفت اقتصادی کشور را شکل خواهد داد (شیوا رضوی، بی‌تا: ۴۳۸-۴۳۷).

چنین کارکردی در اسناد تجاری است که اساساً موجب شکل‌گیری این اسناد در عرف بازرگانی گردیده و برقراری اصول و مقرراتی ویژه، از جمله «اصل بی‌قید و شرط بودن تعهدات» را در خصوص این اسناد ضروری ساخته است؛ امری که در فقه بر اساس مقاصد اقتصادی شریعت و با توجه به مصلحت حفظ مال که مورد تأیید و تأکید منابع اربعه اسلامی - قرآن، سنت، اجماع و عقل - است، قابل پذیرش و مبنای وضع احکام و قوانین مخصوص می‌تواند واقع شود.

۲-۳. منع اختلال در نظام اقتصادی

«منع اختلال نظام» که به‌عنوان مقصد اصلی و اساسی شریعت شناخته می‌شود (ملک افصلی اردکانی، ۱۳۹۶، ش ۶: ۱۴۸) به معنی ضرورت حفظ شالوده و اساس زندگی مردم، سامان داشتن ابعاد مختلف آن و استقرار نظم و عدالت در جامعه است (ملک افصلی اردکانی، ۱۳۹۶، ش ۶: ۱۳۸). تتبع در ادله و توجه به روح حاکم بر تشریحات اسلامی مبین این مطلب است که حفظ نظام دارای مصلحتی ضروری در نگاه شارع می‌باشد؛ چرا که با وجود هرج و مرج و اختلال در جامعه و آشفتگی و نابسامانی، هیچ یک از مصالح و مقاصد دیگر شارع از جمله حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال

انسان‌ها قابل تأمین و تحقق نخواهد بود و از همین رو فقها منع اختلال نظام را به‌عنوان قاعده‌ای فقهی شناسایی نموده و آن را به‌صورت دلیلی حاکم بر سایر احکام و مقررات اسلام به کار می‌گیرند و در هر موردی که حکمی از احکام اسلام بنا به شرایطی موجب اختلال نظام گردد منتفی و به‌عنوان ثانوی، بی‌اثر تلقی می‌شود. در نتیجه، سایر احکام شرع و نیز قوانین موضوعه متوقف بر این قاعده بوده و حول محور آن می‌چرخد (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۱۶۰؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۱۱؛ ملک افصلی اردکانی، ۱۳۹۶، ش ۶: ۱۳۳). در واقع، مفاد قاعده منع اختلال نظام حکمی شرعی است که با برقراری ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع احراز گردیده است. حکم عقل مبنی بر اینکه آنچه موجب اختلال در نظام زندگی انسان‌ها و از دست رفتن قوام معیشت و گسستگی اجتماعات انسانی است، قبیح و دارای مفسده می‌باشد و هر چیزی که مانع این‌گونه اختلال و آشفتنگی گردد، حسن و دارای مصلحت است. تلازم میان حکم عقل و حکم شرع، فقیه را به این نتیجه رهنمون می‌گردد که هر آنچه موجب اختلال در نظام زندگی مردم شود شرعاً حرام و ممانعت از آن واجب است (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۱۳-۱۱؛ باقی زاده و امیدی فرد، ۱۳۹۳، ش ۴۷: ۱۷۶-۱۷۴). این حکم شرعی که به ملازمه آن حکم عقل دلالت بر منع اختلال نظام دارد، در فروع و ابواب متعدد فقهی مستند حکم فقها قرار گرفته است. از جمله در مدارک و مبانی اصل صحت به روایت امام صادق^(ع) که فرمودند «اگر قاعده ید حاکم نباشد برای مسلمانان بازاری باقی نمی‌ماند» استناد شده است با ذکر این نکته که اگر اصل صحت جاری نباشد، در نظام اجتماعی و اقتصادی اختلال و هرج و مرج ایجاد می‌گردد و منطق عقلایی، به طریق اولی جریان اصل صحت را ضروری می‌داند (محقق داماد یزدی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۲۰۰-۱۹۹) و هم‌چنین حکم عدم جواز حيله در ربای قرضی مبتنی بر این امر قرار گرفته است که روح و حقیقت این نوع ربا فساد، ظلم و اختلال در نظام اقتصادی است (سیفی مازندرانی، ۱۴۳۰: ۲۴۲). مشابه همین استنادات در مواردی است که در صورت تخلف صاحب حساب در پرداخت چک، حکومت اسلامی - که در اینجا مقصود بانک‌های دولتی است - با توجه به ضرورت‌های حفظ نظام اقتصادی می‌تواند غرامت نقدی برای او تعیین نماید (جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ج ۴۳: ۲۲) و نیز در جایی که اختیار طرفین معامله در تعیین نرخ کالا سبب فساد و اختلال در نظام اقتصادی جامعه اسلامی گردد، حاکم می‌تواند نرخ را تعیین کرده و طرفین را ملزم به رعایت آن نماید (موسوی خمینی، ۱۴۲۶، ج ۲: ۹۲۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۹: ۳۳۳).

مجموع این موارد و امثال آن که به کثرت در منابع فقهی موجود است، گویای آن است که اختلال در هر یک از خرده نظام‌های جامعه - از جمله نظام سیاسی، نظام اجتماعی (به معنی خاص)، نظام فرهنگی و نظام اقتصادی - که بی‌شک موجب اختلال و نابسامانی در کل نظام زندگی مردم می‌شود (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۹۶، ش ۶: ۱۳۹) مورد منع و حرمت عقل و شرع خواهد بود و بر همین اساس، حفظ نظام اقتصادی جامعه و منع اختلال آن مبتنی بر ضرورتی مسلم و دارای گستره‌ای وسیع در فقه اسلامی است که در اصل چهل و سوم قانون اساسی با عبارت «تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادی او» به‌عنوان هدفی کلان برای نظام اقتصادی اسلامی مورد شناسایی و تصریح قرار گرفته است.

در این راستا بی‌قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری که مبتنی بر ضرورت‌هایی چون جایگزینی اسناد مزبور به جای پول نقد، تأمین گردش سریع و مطمئن آنها و تضمین حقوق دارنده می‌باشد، مانع از بی‌اعتباری یا غیر قابل اجرا شدن تعهدات مزبور و تضمین کننده سرعت و سهولتی خواهد بود که معاملات و قراردادهای تجاری اقتضای آن را دارد. تردیدی نیست که اگر تعهدات امضاکنندگان سند تجاری، قطعیت و جزمیت لازم را نداشته و معلق و مقید به شروطی باشد که همواره ممکن است موجب اختلال و توقف در پرداخت‌ها گردد، مانع گردش و توسعه و ترویج این اسناد و در نتیجه، موجب مشکلات بسیاری در گردش سرمایه و تولید از طریق اسناد تجاری در روابط بازرگانی داخلی و بین‌المللی خواهد شد؛ امری که می‌تواند یکی از عوامل به وجود آمدن اختلال در نظام اقتصادی باشد و با مقاصد و اهداف شریعت و مصلحت حفظ و رشد نظام اقتصادی جامعه در تنافی است و از همین حیث می‌توان به دیدگاه فقهی نسبت به لزوم حاکمیت «اصل بی‌قید و شرط بودن» در مورد تعهدات اسناد تجاری و ضرورت قانون‌گذاری در این خصوص دست یافت.

نتیجه‌گیری

«اصل بی‌قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری» قاعده‌ای حقوقی و ناشی از وصف تنجیزی این اسناد است و بر لزوم مطلق، قطعی و منجز بودن تعهدات امضاکنندگان و مسئولان پرداخت اسناد تجاری (برات، سفته، چک) دلالت دارد. مبنای شکل‌گیری و جریان چنین اصلی، که بر خلاف

اصول عام حاکم بر تعهدات مدنی است، نیازهای تجاری می‌باشد؛ از جمله «جایگزینی اسناد تجاری به جای پول نقد»، «تأمین سرعت، سهولت و امنیت در گردش اسناد تجاری» و «حمایت از حقوق دارنده اسناد تجاری» که غیر مقید و مشروط بودن تعهدات موضوع اسناد تجاری را ضروری نموده و موجب گردیده است که حتی بسیار پیش از قانون‌گذاری در خصوص آن، در عرف بازرگانان به‌عنوان اصلی مسلم و پذیرفته شده جریان یابد. این اصل که از لحاظ حقوقی در راستای نظریه حکومت ظاهر، وصف جایگزینی و وصف تنجیزی اسناد تجاری است، از دیدگاه فقهی با لحاظ مقاصد و اهداف شریعت و بر اساس عناوینی چون «مصلحت حفظ مال» و «منع اختلال در نظام اقتصادی» قابل تحلیل و تأیید می‌باشد.

با عنایت به نیازها و ضرورت‌های حقوقی و اقتصادی و مبانی فقهی که در مقاله حاضر بیان گردید و با توجه به اینکه تحقیق و پژوهش در خصوص «اصل بی قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری» از لحاظ حقوقی و فقهی در میان دانشگاهیان و محققان این حوزه تاکنون سابقه چندانی نداشته است و قضاات و وکلای دادگستری نیز به‌واسطه مبهم و نامشخص بودن این اصل در قوانین و نظام حقوقی ایران، در پرونده‌ها و اختلافات محمل کافی و مناسبی برای استناد به اصل مزبور پیش رو ندارند، به نظر می‌رسد لازم است از سویی مفاد، قلمرو و آثار این اصل توسط اساتید و محققان مورد بحث و بررسی قرار گیرد و از سوی دیگر، قانونگذار با لحاظ مبانی حقوقی و فقهی این اصل و نتایج سایر تحقیقات نظری در این خصوص، و با الهام از مقررات موضوعه در کنوانسیون‌های ژنو و آنسیرال، در اصلاح قانون تجارت نسبت به «اصل بی قید و شرط بودن تعهدات اسناد تجاری» و تصریح و پیش‌بینی آثار و ضمانت اجرای این اصل توجه کافی مبذول دارد.

نتیجه چنین اقدامی این است که در دعاوی و اختلافات محتمل، مستندات و ضوابطی روشن پیش روی وکلا و قضاات دادگستری می‌باشد که امکان دفاع و صدور آرای مناسب و مقتضی را در جهت تضمین هرچه بیش‌تر حقوق ذی‌نفعان و دارندگان اسناد تجاری فراهم خواهد نمود که ثمره آن افزایش اعتماد تجار و غیر تجار به اسناد تجاری و ترویج این اسناد در جامعه می‌باشد؛ امری که در انتظام بخشی به سیستم پولی و بانکی کشور، کاهش تورم، تسهیل و تسریع در معاملات بازرگانی داخلی و خارجی و نهایتاً رشد و رونق اقتصادی کشور مؤثر خواهد بود.

منابع

- احمدی، فاطمه (بهار ۱۳۹۶) «فرمالیسم اسناد تجاری و آثار آن در حقوق تجارت ایران»، مطالعات حقوق، شماره ۸.
- اخلاقی، بهروز. (اسفند ۱۳۵۸) «بحثی پیرامون مفهوم اسناد تجاری»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۲۱.
- _____ . (بهار و تابستان ۱۳۶۹) «اسناد تجاری در قلمرو حقوق بین‌الملل / دیدگاه‌های پیمان ژنو ۱۹۳۰»، حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۲.
- اسکینی، ربیعا. (۱۳۹۴) حقوق تجارت تطبیقی، تهران: مجد، چاپ سوم.
- «اسناد تجاری» (بهمن و اسفند ۱۳۸۴)، قضاوت، شماره ۳۶.
- امامی، حسن. (۱۳۸۸) حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامیه، چاپ بیست و یکم.
- انوری، حسن. (۱۳۸۲) فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، چاپ دوم.
- الله‌آبادی، کمال. (تابستان و پاییز ۱۳۷۷) «اصل استقلال امضاءها و عدم توجه ایرادات اسناد تجاری»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۱۰ و ۱۱.
- باقی زاده، محمدجواد و امیدی فرد، عبدالله. (پاییز ۱۳۹۳) «ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه»، شیعه‌شناسی، شماره ۴۷.
- برزش آبادی، حمزه. (پاییز و زمستان ۱۳۹۰) «جایگاه اصل عدم توجه به ایرادات اسناد تجاری در حقوق ایران با لحاظ کنوانسیون آنستیرال راجع به برات و سفته بین‌المللی» گفتمان حقوقی، شماره ۱۹ و ۲۰.
- بهرامی، بهرام. (۱۳۹۶) اوصاف اسناد تجاری، تهران: نگاه بینه، چاپ سوم.
- تهانوی، محمدعلی بن علی. (۱۹۹۶م). کشف اصطلاحات الفنون، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۶) مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم.
- جمعی از مؤلفان. (بی تا^۱)، مجله فقه اهل‌البيت عليهم‌السلام (بالعربیة)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بيت^۲)، چاپ اول.
- _____ . (بی تا^۲)، مجله فقه اهل‌بيت عليهم‌السلام (فارسی)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بيت^۳)، چاپ اول.
- حبیبی، مهدی. (۱۳۸۸) «مطالعه تطبیقی اصل استقلال امضاءها در حقوق ایران و کنوانسیون ژنو

- ۱۹۳۰»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه مازندران.
- حسینی مراغی، میرعبدالفتاح بن علی. (۱۴۱۷ق.). *العناوین الفقهیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
 - دارینی، علی. (بهار ۱۳۸۰) «واپژوهی: مصلحت و جایگاه فقهی آن»، راهبرد، شماره ۱۹.
 - درویشی هویدا، یوسف. (بهار ۱۳۹۵) «تأملی بر امتیازات اسناد تجاری و زمینه‌های جانشینی چک به جای سایر اسناد تجاری»، *قضاوت*، شماره ۸۵.
 - دفتر حقوقی اندیشه. (مهر و آبان ۱۳۷۲) «چک و سفته رایج‌ترین اسناد تجاری»، *حسابدار*، شماره ۹۹ و ۱۰۰.
 - سید احمدی سجادی، علی. (پاییز ۱۳۸۱) «تضامن در اسناد تجاری»، *مجتمع آموزش عالی قم*، شماره ۱۴.
 - سیفی مازندرانی، علی اکبر. (۱۴۳۰ق.). *دلیل تحریر الوسیله - فقه الربا*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
 - _____ . (۱۴۲۵ق.). *مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقهیه الاساسیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
 - شاکری، بلال. (پاییز ۱۳۹۱) «لزوم تبعیت احکام از مصالح و مفاصل»، *پژوهش‌های اصولی*، شماره ۱۴.
 - شوشتری، مهدی و سید محمد حیدری خورمیزی. (پاییز و زمستان ۱۳۹۶) «بررسی اعتبار مقاصد شریعت در آثار فقهای امامیه با تأکید بر دیدگاه امام خمینی»، *پژوهشنامه امامیه*، شماره ۶.
 - شوشتری، مهدی و حسین ناصر مقدم و حسین صابری. (بهار ۱۳۹۵) «سازوکارهای کشف مقاصد شریعت»، *پژوهش‌های فقهی*، شماره ۱.
 - شیوا رضوی، کاظم. (بی تا) *مطالعه تطبیقی گردش چک*، بی جا: چاپ گیلان.
 - صادقی مزیدی، رسول. (۱۳۹۲) *حقوق اسناد تجاری*، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.
 - صرامی، سیف الله. (زمستان ۱۳۹۰) «درآمدی بر فقه حکومتی (تعریف و مبانی)»، *فقه*، شماره ۴.
 - صقری، محمد. (۱۳۹۴) *حقوق بازرگانی اسناد*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
 - عبدالملکی، مهدی. (بهار ۱۳۸۹) «اوصاف اسناد براتی در نظریه‌های حقوقی»، *حقوقی دادگستری*، شماره ۶۹.
 - عبدی پور فرد، ابراهیم و علی فتوحی راد. (بهار و تابستان ۱۳۹۵) «تحلیل اقتصادی اسناد تجاری به‌عنوان سیستم پرداخت»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، شماره ۹.

- عرفانی، محمد. (بهار ۱۳۸۸) «بررسی جایگاه مصلحت در فقه شیعه و اهل سنت»، کوثر معارف، شماره ۹.
- عرفانی، محمود. (۱۳۹۳) حقوق تجارت، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ سوم.
- علی اکبریان، حسن علی. (بهار ۱۳۹۱) «نقش حکمت احکام در حل تعارض و تراحم»، فقه، شماره ۱.
- عمید زنجانی، عباس علی. (۱۴۲۱ق.). فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.
- قدیر، محسن و عادل ساریخانی. (پاییز ۱۳۹۰) «احکام حکومتی و مصلحت در فقه شیعه»، شیعه شناسی، شماره ۳۵.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶) مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ شصت و یکم.
- _____ . (۱۳۸۷) دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی: قرارداد - ایقاع، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سیزدهم.
- _____ . (۱۳۹۳) فلسفه حقوق: منابع حقوق (جلد دوم)، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم.
- _____ . (۱۳۹۵) فلسفه حقوق: تعریف و ماهیت حقوق (جلد اول)، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم.
- _____ . (۱۳۹۸) فلسفه حقوق: منطق حقوق (جلد سوم)، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
- کرم نژاد، اویس. (بهار و تابستان ۱۳۹۱) «اصول حاکم بر اسناد تجاری»، راه وکالت، شماره ۷.
- مافی، همایون و راضیه عبدالصمدی. (زمستان ۱۳۹۴) «بررسی تطبیقی وصف تجریدی در اسناد تجاری با اصل استقلال امضانات در اعتبارات اسنادی»، پژوهش نامه بازرگانی، شماره ۷۷.
- مبلغی، احمد. (زمستان ۱۳۸۷)، «نیم نگاهی به مکتب فقهی غایت گرا»، فقه، شماره ۴.
- محصلی، هدایت حسین. (تابستان ۱۳۹۱) «جایگاه مقاصد شریعت در استنباط احکام فقهی»، کوثر معارف، شماره ۲۲.
- محقق داماد یزدی، مصطفی. (۱۴۰۶ق.). قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم.
- مرتضوی، عبدالحمید، (۱۳۹۴) قواعد عمومی اسناد تجاری (با نگاه به لایحه قانون تجارت سال ۱۳۹۱)، تهران: انتشارات جاودانه، جنگل، چاپ دوم.
- مزینه، امینه. (جمادی الاولى ۱۴۳۵ق.). «اقتصاد، تجلیات حفظ الشریعه لمقصد المال»، الوعی الاسلامی، شماره ۵۸۵.

- مسعودی، بابک. (زمستان ۱۳۷۹) «اصول حاکم بر اسناد تجاری»، *کانون وکلا*، شماره ۱۷۱.
- مطهری، مرتضی. (بی تا) *فقه و حقوق (مجموعه آثار)*، قم: چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۹ق.) رساله توضیح المسائل، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب^(ع)، چاپ پنجاه و دوم.
- ملک افصلی اردکانی، محسن. (پاییز ۱۳۹۶) «حفظ نظام مقصد اساسی شریعت در فقه و قانون گذاری در نظام حقوقی اسلام»، *مجموعه مقالات کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی*، شماره ۶.
- موسوی خمینی، روح الله. (۱۴۲۶ق.)، توضیح المسائل، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (بی تا) *القواعد الفقهیه (جامعه الاصول)*، بی جا: بی نا.
- نقیبی، ابوالقاسم. (تابستان ۱۳۹۶) «مقاصد شریعت و جایگاه آن در استنباط احکام شرعی»، *پژوهش های فقهی*، شماره ۲.
- نوروزی مهباری، مصطفی. (بهار ۱۳۹۵) «مطالعه تطبیقی ماهیت و آثار ظهن نویسی و وکالت در اسناد تجاری در ایران و فقه»، *تحقیقات جدید در علوم انسانی*، شماره ۲.
- نوری، حسن. (پاییز ۱۳۸۳) «اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در اسناد تجاری»، *الهیات و حقوق*، شماره ۱۳.
- وطنی، امیر و علیرضا حیدر زاده. (زمستان ۱۳۹۴) «مبانی اعتبار مصلحت در استنباط احکام شرعی»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، شماره ۴.